



بررسی پدیده دوزبانگی در گستره جغرافیایی شهر رشت*

محرم رضایتی کیشه‌خاله^۱
معصومه حامی‌دوست^۲

چکیده

پدیده دوزبانگی از مسائل حساس در حوزه جامعه‌شناسی زبان است که از برخورد دو یا چند زبان حاصل می‌شود. دوزبانان کسی است که توانایی استفاده از هر دو زبان را به‌طور برابر یا نابرابر در مهارت گفتاری، شنیداری و ... دارد. پیامد حاصل از دوزبانگی، حفظ و ادامه مسالمت‌آمیز دو زبان در کنار هم یا تغییر و حذف زبان مغلوب و انتخاب زبان غالب است. مقاله حاضر در قالب نظریه پاراشر و با تفکیک جنسیتی به پدیده دوزبانگی در شهر رشت می‌پردازد. در این پژوهش شماری از دانش‌آموزان سه پایه تحصیلی دبیرستان به تفکیک جنسیت انتخاب شدند و در قالب پرسشنامه از آن‌ها نظرسنجی به‌عمل آمد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه، از طریق آزمون‌های آماری مقدار معنی‌داری یا غیرمعناداری متغیرها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی زبان، تحلیل حوزه‌ای، دوزبانگی و گویش گیلکی.

* این مقاله مستخرج از یک طرح پژوهشی با همین عنوان است که در تاریخ ۱۳۹۱/۲/۱۶ در دانشگاه گیلان به تصویب رسیده و توسط نویسندگان به پایان رسیده‌است.

✉ kishekhaleh@yahoo.com

۱- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

✉ M_hamidoost@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۲۸

۱. مقدمه

شاخص‌ترین ویژگی نوع بشر، زبان است. زبان به ما اجازه می‌دهد تا از هوش، گنجایش‌های عاطفی و حتی تجهیزات جسمانی خویش بیشترین استفاده را ببریم. توانایی برقراری ارتباط از طریق زبان، همه جنبه‌های فرهنگ، از خویشاوندی، سیاست، مذهب و زندگی خانوادگی گرفته تا علم و تکنولوژی را تحت تأثیر قرار داده‌است؛ همچنین زبان در توانایی ما برای سازگاری سریع و مؤثر با مقتضیات جدید، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و ما را قادر می‌سازد تا دانش خود را مدون کرده و تحت نظام در آوریم (پلاگ و بیستس، ۱۳۸۶: ۴۳۸). برای درک اهمیت زبان کافی است بدانیم وقتی زبان از جامعه انسانی گرفته شود؛ تمدن و فرهنگ بشری نابود می‌گردد. زبان پدیده‌ای است با اهمیت بسیار و درخور توجه که باید از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گیرد (گرانپایه، ۱۳۷۷: ۱۱۰).

یکی از مسائلی که زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان در سطح جهانی، با آن مواجه‌اند؛ مسأله دو یا چندزبانگی است که به فرد امکان می‌دهد علاوه بر زبان مادری خود، به زبان یا زبان‌های دیگر نیز تکلم کند. در کشور ایران، لهجه‌ها، گویش‌ها و گونه‌های مختلف زبانی وجود دارد که همراه و در کنار زبان فارسی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ تا آنجا که گاه می‌توان در یک منطقه معین، شاهد چندین زبان مختلف بود که در موقعیت‌های خاص به کار گرفته می‌شوند. با شروع آموزش رسمی، زبان فارسی به کودکان آموزش داده می‌شود که از نظر نظام آوایی، واژگانی و دستوری، با زبان مادری گویشوران فرق دارد؛ بدین ترتیب، هریک از گونه‌ها می‌تواند در سبک گونه‌های دیگر، تغییراتی ایجاد کند. مردم به دلایل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یک زبان را به عنوان زبان رسمی می‌پذیرند و متغیرهایی چون سطح سواد، مسائل اجتماعی، اقتصادی و حتی گسترش علم و تکنولوژی، موجب تأثیر هریک از گونه‌ها در دیگری می‌شود که بررسی آن از حیث آموزشی و فرهنگی حائز اهمیت است. از آنجا که زبان مادری، به عنوان اولین زبانی است که فرد با آن سخن می‌گوید و محیط اجتماعی و فرهنگی خود را از دریچه آن درک و لمس می‌کند، هرگونه تغییر و تحولی که زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و غالب، در گونه‌های محلی ایجاد کند؛ حائز اهمیت می‌باشد. این موضوع از این حیث که گویشوران، هرکدام در چه شرایطی این دو نوع زبان را به کار می‌گیرند و چه مسائلی در انتخاب هریک از گونه‌ها دخالت دارد، قابل بررسی است. اگرچه متغیر مهاجرت این گویش را از حیطة اقلیمی خاص خارج کرده و به مناطق دیگر نفوذ داده‌است. در این مقاله، به گویش گیلکی مردم رشت و واکنش افراد دوزبانه در تماس با گونه رسمی آن در قلمرو جغرافیایی شهرستان رشت پرداخته می‌شود و به پرسش‌های زیر، که پاسخگوی نیازهای فرهنگی و جامعه‌شناختی ماست، پاسخ می‌دهد:

- ۱- آیا پدیده دوزبانگی در شهرستان رشت قابل طرح است؟
- ۲- عوامل ایجاد چنین پدیده‌ای در گویش گیلکی چیست؟
- ۳- آیا این پدیده در خانه و کودکی رخ می‌دهد یا بعداً در محیط آموزشی، اداری و ... به وجود می‌آید؟
- ۴- آیا چنین پدیده‌ای زبان مادری را تضعیف کرده‌است یا خیر؟
- ۵- استفاده از زبان فارسی و گیلکی هر کدام در چه موقعیتی رخ می‌دهد؟

پاسخ به هر یک از پرسش‌های بالا نشان می‌دهد که گویشور، چگونه با پدیده دوزبانگی مواجه می‌شود و چه واکنشی نسبت به گویش خود در قبال این پدیده بروز می‌دهد. درحقیقت، این مقاله با بررسی نگرش و سیاست‌های فرهنگی اجتماعی و آموزشی گویشوران گیلکی، به مزایا و مخاطرات حاصل از این پدیده بر زبان مادری می‌پردازد. همچنین به احیا، بازشناسی و تقویت گویش گیلکی یاری می‌دهد و از آن‌جا که پدیده دوزبانگی رابطه مستقیمی با فرهنگ دارد، بررسی این پدیده می‌تواند بر جنبه‌های آموزشی و فرهنگی تأثیر مثبت داشته باشد. همچنین، با استفاده از اطلاعات مربوط به گویش‌های ایرانی، از جمله گویش گیلکی، می‌توان برخی از مبهمات متون زبان فارسی دری و حتی امروز را در حوزه‌های آوایی، صرفی، نحوی و معنی‌شناسی حل کرد.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی زبان در کشور ما قدمت چندانی ندارد. اولین پژوهش‌های مربوط به آن در ایران توسط ای، ام جرمیاس و امیلیا نرسیسیان صورت گرفته‌است و عمدتاً بررسی‌ها به موضوعاتی چون قرض‌گیری‌های زبانی، گونه‌های زبانی، تفاوت تلفظی بین گروه‌های سنی و جنسی، تغییر گونه‌های سبکی، برخورد زبان‌ها، رابطه زبان و ملیت و اختصاص یافته‌است. مطالعات گویش‌شناسی غالباً با پرداختن به موضوعاتی چون توصیف آواها، ساختار یا واژگان گویش‌های ایرانی نشان می‌دهند که گویش‌ها به‌عنوان ابزارهای ارتباطی کوچک، که غالباً آثار مکتوب ندارند؛ فقط برای رفع نیازهای روزانه اجتماعات کوچک به کار می‌روند و در تقابل با زبان رسمی سبب می‌شود تا سخنگویان برای ایجاد ارتباط با اجتماعات بزرگ‌تر به تدریج آنها را کنار بگذارند. در مجموع توجه زیادی به بررسی جایگاه زبان‌های محلی و مسأله حفظ یا تغییر آن‌ها نشده‌است و تنها در سال‌های اخیر پژوهش‌های موردی و پراکنده‌ای درباره برخی از این زبان‌ها و گویش‌ها صورت گرفته‌است (بشیرنژاد، ۱۳۸۲: ۷۴).

حسن بشیرنژاد با عنوان *بررسی جایگاه و کاربرد فارسی و مازندرانی ... در شهرستان آمل (۱۳۷۹)*، طاهره مشایخ با عنوان *بررسی کاربرد فارسی و گیلکی ... در شهر رشت (۱۳۸۱)*، محسن جعفرزاده در *گویش قائم‌شهری، موقعیت، کاربرد و نگرش گویشوران (۱۳۸۷)* و «زبان‌های محلی ایران و خطر انقراض» (۱۳۸۲: ۶۵-۸۴) و مهدی احمدی‌مهر در نقش دوزبانگی در یادگیری واژگان زبان دیگر (۱۳۷۱) در قالب پایان‌نامه‌های تحصیلی، مقاله و کتاب به بررسی این موضوع پرداخته‌اند.

کانون توجه همه تحقیقات پیشین در حوزه مطالعات توصیفی گویش‌ها با تأکید بر جنبه اجتماعی زبان فارسی در منطقه موردنظر بوده‌است و هیچ کدام در قالب نظریه پاراشر و با تفکیک جنسیتی به پدیده دوزبانگی نپرداخته‌اند. تنها کاری که در زمینه مورد بحث انجام گرفته بررسی پدیده دو یا چندزبانگی در *جغرافیای قومی تالش (۱۳۹۰)* از فاطمه میرزاپور ریک است که نگارنده در آن به پدیده دوزبانگی (زبان فارسی و تالشی) با روش تحلیل حوزه‌های زبان پرداخته‌است. مقاله حاضر به پدیده دوزبانگی در شهر رشت و شرایط به‌کارگیری زبان‌های گیلکی و فارسی در زیرحوزه‌های مختلف و به تفکیک جنسیت و پایه‌های تحصیلی می‌پردازد و

زمینه‌های حفظ یا مرگ آن را از طریق تحلیل داده‌ها و اجرای آزمون‌های آماری به صورت تحلیلی بیان می‌کند.

۳. پیشینه تاریخی گویش گیلکی

شهرستان رشت در ۳۲۵ کیلومتری شمال غربی تهران، درست در جلگه مرکزی استان گیلان واقع شده‌است. این شهر از زمان شاه‌عباس دوم تا اواخر حکومت قاجاریه مرکز تجاری بزرگی بوده‌است و تنها راه ارتباطی و بازرگانی ایران از طریق بندر انزلی به اروپا به‌شمار می‌آمد که به آن دارالعماره یا دارالمرز می‌گفتند (خودزکو، ۱۳۵۴: ۱۳). امروزه نیز شهر رشت، از مهم‌ترین شهرهایی است که در دروازه ورودی استان قرار دارد و شامل شش بخش مرکزی، خمام، خشک‌بیجار، سنگر، کوچصفهان و لشت‌نشا است. هم‌اکنون مردم این شهرستان به زبان گیلکی و با لهجه رشتی تکلم می‌کنند و به مشاغل خدماتی، تجاری و صنعتی اشتغال دارند (عربانی، ۱۳۸۰: ۵۰۷).

گیلکی از جمله گویش‌های ایرانی گروه شمال غربی ایرانی است که در کرانه‌های جنوب غربی دریای خزر بدان سخن می‌گویند. این گویش سال‌ها با وجود نفوذ فرهنگ اقوام بیگانه، موجودیت خود را حفظ کرده‌است. هر چند قسمت‌هایی از آن دچار دگرگونی‌هایی شده‌است. غیر از قوم گیلک، تالش‌ها، و تات‌ها با گویش متمایز در مناطقی خاص از گیلان سکونت دارند که از ساکنان اصیل و قدیمی گیلان محسوب می‌شوند. شایسته ذکر است که گویش گیلکی گونه‌های محلی گوناگونی دارد. اگرچه این گونه‌ها فرق زیادی با گیلکی رشتی ندارند؛ با این حال، از نظر آوایی و واژگانی از آن متمایزند (پورهادی، ۱۳۸۵: ۱۵). هم‌اکنون در رشت، علاوه بر گیلکی، شاهد گسترش و نفوذ گویش‌های تالشی، ترکی و تاتی هستیم که به دلیل مهاجرت اقوام تالش و ترک و تات به این سرزمین رخ داده‌است و می‌تواند در گیلکی این منطقه تأثیر بگذارد (نیکویه، ۱۳۸۷: ۶۴).

۴. دوزبانگی

پدیده دو یا چندزبانگی از مسائلی است که در جامعه‌شناسی زبان مطرح می‌شود. سخنگویان زبان، همواره به طور یکسان صحبت نمی‌کنند بلکه برحسب نواحی جغرافیایی و موقعیت‌های گوناگون، صورت‌های زبانی خاص یعنی واژه‌ها، ساخت‌ها و عبارات‌های متفاوتی را به‌کار می‌برند (نرسیسیانس، ۱۳۸۲: ۱۶۷). دوزبانگی را باید حالتی دانست که فرد به زبان یا زبان‌های دیگری غیر از زبان مادری خود تکلم می‌کند. امروزه، با تحولات اجتماعی و اقتصادی رو به رشد، وجود دو زبان در کالبد یک فرد و استفاده افراد از دو زبان در موقعیت‌های متفاوت و با مخاطبان مختلف می‌تواند ابزار مفیدی برای بهره‌گیری بهتر از محیط پیرامون آنان به‌شمار آید (رضایتی و دیگران: ۱۳۸۷: ۹۶). جامعه‌شناس زبان، شخصی را دو زبانه می‌داند که هر دو زبان را در اکثر اوقات بنابر اراده خود و نیاز جامعه مورد استفاده قرار دهد و یا اینکه اگر اراده کند، زمینه استفاده از هر دو زبان در سطح جامعه برای او میسر باشد. این پدیده عموماً در جوامعی مطرح می‌شود که گروه‌های زبانی گوناگون - به‌ویژه

آنان که زبان رسمی دارند - کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. بنابراین «بی‌هیچ تردید، تمام دنیا چندزبانه است و جوامع زبانی همواره در کنار و در ارتباط با هم قرار می‌گیرند» (ژان کالوه، ۱۳۷۹: ۴۳).

در جوامع ایرانی، زبان فارسی دارای بیشترین تأثیر بر تحولات گویش‌های محلی است و به‌عنوان عاملی مهم در ارتباطات اجتماعی، رابطه مستقیمی با عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد. همراهی این زبان به عنوان زبان رسمی با لهجه‌ها، گویش‌ها و گونه‌های مختلف زبانی در کشور ایران چنان شیوع دارد که حتی می‌توان شاهد چندین گویش مختلف در یک منطقه خاص بود. این امر گویشوران را قادر می‌سازد تا در موقعیت‌های خاص و به مناسبت نیازشان از آن‌ها بهره‌گیرند.

زبان مادری، اولین زبان آموخته‌شده توسط انسان است. در کشور ایران، زمانی که کودک به سنی می‌رسد که باید تحت آموزش رسمی قرار بگیرد، زبانی را فرا می‌گیرد که در سراسر کشور با عنوان زبان رسمی شناخته می‌شود و از لحاظ نظام آوایی - واژگانی و دستوری متفاوت از زبان مادری اوست. از این مرحله است که پدیده دوزبانگی مطرح می‌شود. بنابراین فرد دوزبانه به فردی اطلاق می‌شود که از زمان آغاز آموزش رسمی با زبان دیگری که در کشور عمومیت یافته و برای او در حکم زبان دوم است، آشنا شده و آموزش می‌بیند (لی. وی. ۱۳۸۹). بنابراین «فرد دوزبانه با مجهز بودن به دو دانش زبانی متفاوت و در هر لحظه می‌تواند به هر دو زبان سخن بگوید و بفهمد و در صورت باسواد بودن، به هر دو زبان بخواند و بنویسد و نیز می‌تواند آزادانه گفتار خود را از یک زبان به زبان دیگر انتقال دهد و هر دو زبان را در همه سطوح ساختاری (آوایی، واجی، نحوی، واژگانی و معنایی) در هم آمیزد» (نیلی‌پور، ۱۳۶۸: ۹۱) و سخنگویان، هریک از این گونه‌های زبانی را براساس عوامل گوناگونی چون سن، جنس، هوش، حافظه، نگرش‌های زبانی و انگیزه، و همچنین عواملی چون موقعیت زمانی و مکانی، طبقاتی، شغلی، تحصیلی و... میزان صمیمیت، به کار می‌گیرند.

۵. تحلیل حوزه‌های زبان

پدیده دوزبانگی در برخی موارد، با حفظ و ادامه حیات مسالمت‌آمیز هر دو زبان، در کنار یکدیگر همراه است و در برخی موارد منجر به حذف و تغییر زبان مغلوب به نفع زبان غالب می‌گردد. «زبان نه‌تنها برحسب خصوصیات اجتماعی نظیر طبقه اجتماعی، گروه نژادی، سن و جنس بلکه برحسب بافت اجتماعی که خود را در آن می‌یابد، نیز تغییر می‌کند» (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۱۳۱). تغییر زبان، نتیجه حرکت جمعی و طولانی مدت افراد یک جامعه زبانی، در جهت انتخاب و کاربرد زبان غالب و قدرتمند و کناره‌گیری و رها کردن زبان مغلوب و ضعیف‌تر است. در این میان نگرش‌های زبانی افراد تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر این پدیده دارد (بیکر، ۲۰۰۱: ۴۰). بنابراین مطالعه نگرش‌های زبانی و شناخت کاربرد زبان در حوزه‌های اجتماعی جامعه حائز اهمیت است. پژوهش‌های جامعه‌شناسی زبان بر پایه استفاده زبان در تک‌تک محیط‌های اجتماعی است که فرد با آن‌ها در تماس می‌باشد. هریک از این محیط‌های اجتماعی که تحت عنوان یک حوزه یا دامنه مطرح می‌شوند، اطلاعات یا داده‌های کمی از کاربرد زبان را ارائه می‌کند (فیشمن، ۱۹۶۹: ۲۷۸).

۵-۱- معرفی حوزه‌ها

مفهوم حوزه، ابتدا توسط فیثمن پیشنهاد شد تا روشی برای انتخاب زبان باشد. قدمت پژوهش‌های مربوط به حفظ یا تغییر زبان‌ها به دهه ۱۹۶۰ میلادی می‌رسد. فیثمن و پاراشر، جامعه‌شناسان زبان، آغازگر این نوع پژوهش‌ها بوده‌اند. از سال ۱۹۶۶ مطالعات درخصوص کاربرد زبان مادری در میان گروه‌های مهاجر ایالات متحده آغاز شد که در آن از مطالعات تحلیل حوزه‌ای^۱ بهره گرفته شد. آنان برای آگاهی از کاربرد دو زبان، برخی موقعیت‌ها و نهادهای اجتماعی را در نظر گرفتند که آن را حوزه نامیدند. این حوزه‌ها از مجموعه‌ای از عوامل نظیر موقعیت‌ها، فعالیت و سایر شرکت‌کنندگان تشکیل می‌شود. در هر حوزه زیرحوزه‌هایی با توجه به مخاطبان، فعالیت و مکان‌ها یا محدوده‌های مورد نظر وجود دارد؛ به‌عنوان مثال در حوزه خانواده، نیاکان، والدین، بچه‌ها و بستگان به عنوان زیرحوزه در نظر گرفته می‌شود. در جدول زیر، حوزه‌ها و زیرحوزه‌ها به‌طور کامل نشان داده شده‌است:

جدول ۱: حوزه‌ها و زیرحوزه‌های مورد مطالعه در تحلیل حوزه‌ای زبان

حوزه‌ها	مخاطبان	فعالیت‌ها	محدوده
خانواده	نیاکان، والدین، برادران، خواهران، بستگان	-	-
دوستی	دوستان نزدیک، دوستان مدرسه	جشن‌های خانوادگی	مدرسه، خیابان
همسایگی	همسایگان نزدیک، افراد محله، همسایگان گیلک و غیرگیلک	-	کوچه و محله
آموزشی	همکلاسی‌ها و معلم	-	داخل و خارج کلاس
اداری	ادارات دولتی	-	روستا، شهر، شهرستان، استان

۶. استفاده از زبان

ابتدا کاربرد گویش گیلکی در پنج حوزه خانواده، آموزشی (مدرسه)، دوستی، همسایگی، ادارات مورد بررسی قرار می‌گیرد. این امر نشان می‌دهد در چه مواردی کاربرد گیلکی بیشتر است و در چه مواردی کاربرد فارسی، یا تلفیق هر دو غلبه دارد. همچنین این میزان با توجه به جنسیت در رده سنی (۱۵ تا ۱۷) چگونه است. هدف کلی مشاهدات حاصل از کاربرد گیلکی این است که این گویش با توجه به تغییرات و تحولات به وجود آمده، در طول زمان و در آینده نه چندان دور چه وضعی خواهد داشت؟ آیا حفظ می‌شود یا دستخوش تغییراتی خواهد شد یا اینکه به کلی نابود می‌شود؟ در پاسخ به سؤالات مذکور، فیثمن و همکاران (۱۹۹۲: ۶۴) بر این باورند اگر زبان مادری در ارتباطات بین‌گروهی غالب باشد، می‌توان امیدوار به حفظ زبان بود. به همین دلیل جمع‌آوری اطلاعات مربوط به زبان در حوزه‌های مختلف کاربرد زبان اهمیت دارد و تحلیل حوزه‌ای اصلی‌ترین روش، برای جمع‌آوری اطلاعات زبانی است.

۷. جامعه مورد آزمون

افراد پرشش‌شونده، شامل دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه (سه پایه تحصیلی اول و دوم و سوم) از مدارس ناحیه یک و دو رشت (پنج دبیرستان دخترانه و پنج دبیرستان پسرانه) بودند که کل جامعه مورد آزمون را تشکیل داده‌اند. در هر دبیرستان برای اجرای آزمون ۴۵ نفر؛ یعنی از هر پایه تحصیلی، حداکثر ۱۵ نفر انتخاب شدند که ۲۰۹ دانش‌آموز دختر و ۲۰۹ دانش‌آموز پسر بودند. در مجموع ۴۱۸ پاس‌نامه از کل مدارس در شهرستان رشت جمع‌آوری شد. در انتخاب این دانش‌آموزان مبنای این قرار گرفت که حداقل یکی از والدین گیلک باشد.

۸. روش طراحی پرسشنامه

پرسشنامه مهم‌ترین ابزار به کار رفته در جمع‌آوری داده‌های این تحقیق است و حاوی چهار بخش سؤال مربوط به کاربرد زبان فارسی و گیلکی، در پنج حوزه خانواده، مدرسه، دوستی، همسایگی و اداری می‌باشد. پاسخ‌ها سه‌گزینه‌ای است تا زبان غالب در هریک از حوزه‌ها مشخص شود. در جدول ۱-۳ نمونه‌ای از محتویات پرسشنامه ذکر شده‌است.

جدول ۱-۲: محتویات پرسشنامه مربوط به بررسی وضعیت گویش گیلکی

تعداد سؤال	نوع سؤال	زیرگروه	گروه سؤالات
۴	بسته سه‌جوابی	خانواده	حوزه‌ها
۴	بسته سه‌جوابی	مدرسه	
۴	بسته سه‌جوابی	دوستی	
۴	بسته سه‌جوابی	همسایگی	
۳	بسته سه‌جوابی	ادارات	

۸-۱- تحلیل داده‌ها و اجرای آزمون‌های آماری

- از فرمول نرم‌افزار Microsoft Excel برای محاسبه درصد پاسخ‌ها استفاده شد.
 - میانگین یا متوسط حسابی (X) نیز که برای به دست آوردن متوسط کاربرد زبان، در یک حوزه و متوسط نگرش زبانی در هریک از حوزه‌ها به کار می‌رود، از طریق Microsoft Excel به دست آمد.
 - برای رسم نمودارهای ستونی و نمودارهای دایره‌ای، از نرم‌افزار Microsoft Excel استفاده گردید.
- داده‌های حاصل از این پژوهش با برنامه spss مورد ارزیابی قرار گرفت. به منظور اجرای آزمون‌های آماری و مشخص کردن اختلاف آماری متغیرها، در حوزه‌های کاربرد گویش گیلکی، همچنین میزان اختلاف متغیرها، براساس جنسیت، از روش مجذور کای (X²) استفاده شد.

۹. روش تحلیل حوزه‌های

در بررسی هر زبانی لازم است از محیط‌های اجتماعی (حوزه) قابل تماس افراد استفاده شود. در هر حوزه، با توجه به مخاطبان، فعالیت‌ها و مکان‌های موردنظر، زیر حوزه‌هایی وجود دارد (فسولد، ۱۹۸۴: ۱۸۳). در این مطالعه، پرسشنامه‌ای براساس الگوی پژوهشی پاراشر (۱۹۸۰) با در نظر گرفتن گروه سنی پرسش‌شوندگان تنظیم شد که در آن، پنج حوزه خانواده، دوستی، همسایگی، مدرسه و ادارات، در نظر گرفته شد که به ترتیب از غیررسمی به رسمی طبقه بندی شده‌اند. در بررسی عملکرد حوزه‌ها در استفاده از زبان، سؤالاتی در هریک از زیرحوزه‌ها مطرح شد. پس از نظرخواهی از افراد از طریق پرسشنامه، تجزیه و تحلیل زبانی پاسخ سؤالات در هریک از حوزه‌ها و زیرحوزه‌ها انجام گرفت تا وضع جامعه‌های مورد آزمون در هریک از زبان‌های مورد تحقیق مشخص شده و در نهایت وضعیت زبانی کل حوزه‌ها روشن گردد. این روش بررسی، به تحلیل حوزه‌های زبان معروف است. یک نمونه از پرسش‌نامه، حاوی سؤالات مربوط به هریک از حوزه‌ها و زیرحوزه‌ها که در این تحقیق به کار گرفته شده‌است، در جدول ۱-۳ نشان داده شده‌است. سؤالات در پنج حوزه مورد اشاره با پاسخ‌های سه‌گزینه‌ای، شامل گویش گیلکی، زبان فارسی، و هردو بود. گزینه هردو نشان می‌دهد که پرسش‌شونده‌ها از هردو زبان فارسی و گیلکی در مکالمات آن حوزه، با مخاطبان‌شان استفاده می‌کنند.

۹-۱- کاربرد زبان در پنج حوزه

قبل از بررسی هریک از حوزه‌های پنجگانه باید به مفاهیم مرتبط که در منابع مختلف بدان اشاره شده‌است، بپردازیم.

۹-۱-۱- کاربرد زبان در حوزه خانواده

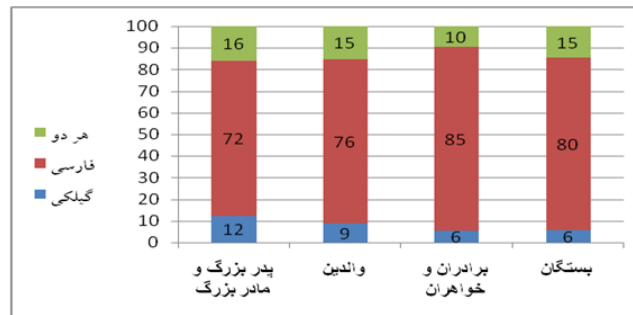
حوزه خانواده به‌عنوان حوزه خصوصی، مهم‌ترین پایگاه زبان محسوب می‌شود که در همه پژوهش‌های مربوط به زبان، مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد (پاراشر، ۱۹۸۰؛ بنیاماس، ۱۹۸۸؛ یوان، ۲۰۰۱). تغییرات زبانی خانواده، در سایر حوزه‌ها تأثیر می‌گذارد. زمانی که زبان در عرصه رقابت‌های زبانی حذف شود، حوزه خانواده باید به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه به وظایف خود عمل کند؛ در غیر این صورت، زبان قادر به ادامه حیات نخواهد بود و می‌میرد (فسولد، ۱۹۸۴: ۱۸۳). نتایج حاصل از اجرای پرسشنامه در حوزه خانواده به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت در جدول ۱-۳ آمده‌است.

جدول ۱-۳: کاربرد زبان در حوزه خانواده به تفکیک پایه تحصیلی و جنسی

مخاطبان	پسرانه			دخترانه			مجموع			
	۱ ۲	۳ ۴	۵ ۶	۱ ۲	۳ ۴	۵ ۶	۱ ۲	۳ ۴	۵ ۶	
سال اول	پدربزرگ و مادربزرگ	۱۳	۴۹	۱۱	۵	۵۹	۹	۱۸	۱۰۸	۲۰
	والدین	۱۰	۴۹	۱۴	۱	۶۶	۶	۱۱	۱۱۵	۲۰
	برادران و خواهران	۷	۵۷	۹	۱	۶۹	۳	۸	۱۲۶	۱۲
	بستگان	۷	۵۵	۱۱	۰	۶۵	۸	۷	۱۲۰	۱۹
	مجموع	۳۷	۲۱۰	۴۵	۷	۲۵۹	۲۶	۴۴	۴۶۹	۷۱
سال دوم	پدربزرگ و مادربزرگ	۱۴	۴۶	۱۳	۵	۵۹	۹	۱۹	۱۰۵	۲۲
	والدین	۱۱	۴۸	۱۴	۴	۶۲	۷	۱۵	۱۱۰	۲۱
	برادران و خواهران	۶	۵۸	۹	۳	۶۵	۵	۹	۱۲۳	۱۴
	بستگان	۷	۴۴	۱۲	۲	۶۳	۸	۹	۱۰۷	۲۰
	مجموع	۳۸	۱۹۶	۴۸	۱۴	۲۴۹	۲۹	۵۲	۴۵۸	۷۷
سال سوم	پدربزرگ و مادربزرگ	۸	۴۲	۱۳	۶	۴۵	۱۲	۱۴	۸۷	۲۵
	والدین	۸	۴۳	۱۲	۳	۴۹	۱۱	۱۱	۹۲	۲۳
	برادران و خواهران	۳	۵۲	۸	۳	۵۴	۶	۶	۱۰۷	۱۴
	بستگان	۴	۴۹	۱۰	۳	۴۸	۱۲	۷	۹۲	۲۲
	مجموع	۲۳	۱۸۷	۴۳	۱۵	۱۹۶	۴۱	۳۸	۳۷۸	۴۸
مجموع	پدربزرگ و مادربزرگ	۳۵	۱۳۷	۳۷	۱۶	۱۶۳	۲۱	۵۱	۳۰۰	۶۷
	والدین	۲۹	۱۴۰	۴۰	۸	۱۷۷	۲۴	۳۷	۳۱۷	۶۴
	برادران و خواهران	۲۱	۱۶۷	۲۶	۷	۱۸۸	۱۴	۲۳	۳۵۵	۴۰
	بستگان	۱۸	۱۴۸	۳۳	۵	۱۷۶	۲۸	۲۴	۳۳۳	۶۱
	مجموع	۱۰۳	۵۴۳	۱۳۶	۳۶	۷۰۴	۸۷	۱۳۵	۱۳۰۵	۲۳۲

نتیجه جدول ۱-۳ در کل جامعه مورد آزمون به شکل نمودار ستونی ۱-۱ نشان داده شده است. همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود، بیش از ۷۰ درصد پاسخ‌دهنده‌ها در حوزه خانواده با مخاطبان خود به زبان فارسی صحبت می‌کنند. حدود ۷۲ درصد از آنها با اجداد خود به زبان فارسی سخن می‌گویند و در گفتگو با بچه‌های خانواده، این میزان افزایش یافته به ۸۵ درصد می‌رسد که نشان‌دهنده تغییر زبانی بین نسل‌ها است. ۱۲ درصد از پاسخ‌دهنده‌ها با اجداد خود به گویش گیلکی صحبت می‌کنند که این میزان وقتی مخاطب از نسل جوان‌تر باشد به ۵ درصد می‌رسد. مخاطبانی که به هر دو زبان سخن می‌گویند نسبت به کسانی که فقط از گیلکی استفاده می‌کنند بیشتر هستند. این میزان وقتی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و والدین مخاطب باشند، ۱۶ درصد و وقتی خواهران و برادران مخاطب باشند، حدود ۹ درصد است و در مواجهه با بستگان پدری و مادری به ۱۵ درصد می‌رسد. به طور کلی، تغییر زبان در بین نسل‌ها بسیار مشهود است و این نشان می‌دهد که در جامعه مورد بررسی (دانش‌آموزان دبیرستانی دختر و پسر) طی دو نسل در حوزه خانواده؛ یعنی از پدربزرگ و مادربزرگ به

نوه‌ها میزان کاربرد گویش گیلکی کمتر می‌شود. با توجه به نمودار ۱-۱ میزان کاربرد اندک گیلکی حتی وقتی مخاطبان از نسل گذشته هستند، نشان‌دهنده آنست که زبان فارسی در حوزه خانواده که خصوصی‌ترین حوزه به حساب می‌آید، جانشین گویش گیلکی شده‌است.



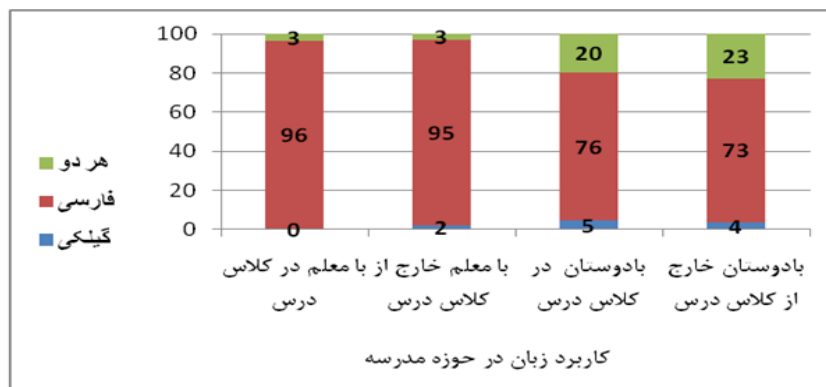
نمودار ۱-۱: کاربرد زبان در حوزه خانواده

۹-۱-۲- کاربرد زبان در حوزه مدرسه

جدول ۴-۱ کاربرد زبان در حوزه آموزش یا مدرسه را به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت نشان می‌دهد. همان‌گونه که از جدول ۴-۱ و نمودار ستونی آن (۲-۱) مشاهده می‌شود، در محیط آموزشی و کاملاً رسمی با مخاطب رسمی غالباً زبان رسمی فارسی کاربرد دارد و از گویش گیلکی استفاده نمی‌شود؛ به طوری که ۹۶ درصد از پاسخ‌دهنده‌ها در کلاس با معلمان خود به فارسی صحبت می‌کنند و ۳ درصد از هر دو زبان فارسی و گیلکی استفاده می‌نمایند که ممکن است این امر به دلایل آموزشی و برقراری ارتباط بهتر از سوی معلمان و دانش‌آموزان باشد. در یک محیط غیررسمی (مانند خارج از کلاس درس) و با مخاطب رسمی (معلم) به کارگیری گویش گیلکی به ۱ درصد می‌رسد. این امر نشان‌دهنده آن است که در محیط رسمی مدرسه، و با معلم که مخاطب رسمی است، گیلکی کاربرد چندانی ندارد. در حالی که در محیط رسمی (مانند کلاس درس) با مخاطب غیررسمی (مانند دوستان و هم‌کلاسی‌ها) یا با مخاطب در محیط غیررسمی (مانند هم‌کلاسی‌ها خارج از کلاس درس)، استفاده از گیلکی تا حدی بیشتر می‌شود و به ۵ درصد می‌رسد (به کارگیری هر دو زبان فارسی و گیلکی به تناسب، بیشتر از به کارگیری گیلکی در محیط مدرسه و با مخاطبان غیررسمی است. این مقدار در حوزه آموزشی به‌طور متوسط ۲۱ درصد است که نشان‌دهنده کاربرد بیشتر آن از گیلکی در محیط غیررسمی است.

جدول ۱-۴: کاربرد زبان در حوزه مدرسه به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت

مخاطب و مکان		پسرانه			دخترانه			مجموع		
		شماره	درصد	پایه	شماره	درصد	پایه	شماره	درصد	پایه
سال اول	با معلم در کلاس درس	-	۷۰	۳	۱	۷۱	۱	۱۴۱	۴	
	با معلم خارج از کلاس	۲	۶۷	۴	-	۷۲	۱	۱۳۹	۵	
	با دوستان در کلاس	۷	۴۷	۱۹	۱	۶۷	۵	۱۱۴	۲۴	
	با دوستان خارج از کلاس	۶	۴۶	۲۱	-	۶۴	۹	۱۱۰	۳۰	
	مجموع	۱۵	۲۳۰	۴۷	۲	۲۷۴	۱۶	۵۰۴	۶۳	
سال دوم	با معلم در کلاس درس	۱	۶۸	۴	-	۷۳	-	۱۴۱	۴	
	با معلم خارج از کلاس	۱	۶۷	۳	-	۷۳	-	۱۴۰	۳	
	با دوستان در کلاس	۵	۴۵	۲۳	-	۶۷	۶	۱۱۲	۲۹	
	با دوستان خارج از کلاس	۵	۴۸	۲۰	-	۶۲	۱۱	۱۱۰	۳۱	
	مجموع	۱۲	۲۲۸	۵۰	-	۲۷۵	۱۷	۵۰۳	۶۷	
سال سوم	با معلم در کلاس	-	۵۹	۴	-	۶۱	۲	۱۲۰	۶	
	با معلم خارج از کلاس	۲	۵۸	۳	-	۶۲	۱	۱۲۰	۴	
	با دوستان در کلاس	۵	۳۴	۲۴	۱	۵۵	۷	۸۹	۳۰	
	با دوستان خارج از کلاس	۵	۳۳	۲۵	-	۵۴	۹	۸۷	۳۴	
	مجموع	۱۲	۱۸۴	۵۶	۱	۲۳۲	۱۹	۴۱۶	۷۴	
مجموع	با معلم در کلاس	۱	۱۹۷	۱۱	۱	۲۰۵	۳	۴۰۲	۱۴	
	با معلم خارج از کلاس	۵	۱۹۲	۱۰	-	۲۰۷	۲	۳۹۸	۱۲	
	با دوستان در کلاس	۱۷	۱۲۶	۶۶	۲	۱۸۹	۲۰	۳۱۵	۸۳	
	با دوستان خارج از کلاس	۱۴	۱۲۷	۶۶	-	۱۸۰	۲۹	۳۰۷	۹۵	
	مجموع	۳۷	۶۴۲	۱۵۳	۳	۷۸۱	۵۴	۱۴۲۳	۲۰۴	



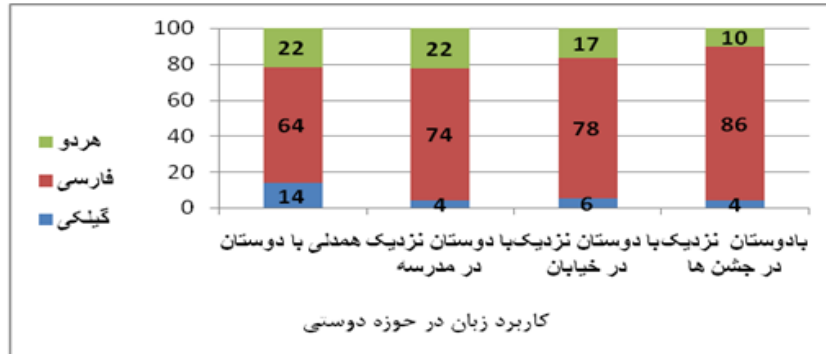
نمودار ۱-۲: کاربرد زبان در حوزه مدرسه

۹-۱-۳- کاربرد زبان در حوزه دوستی

جدول ۱-۵ کاربرد زبان در حوزه غیررسمی دوستی را به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت مورد مطالعه قرار می‌دهد. همان طوری که در جدول ۱-۵ دیده می‌شود در مواجهه با مخاطبان همسال خود در موقعیت‌های گوناگون رسمی و غیررسمی مانند مدرسه، خیابان و جشن‌های خانوادگی عمدتاً (به‌طور متوسط ۸۳ درصد) از زبان فارسی استفاده می‌کنند و فقط ۱۴ درصد از پرسش‌شوندگان در استفاده از گویش گیلکی احساس همدلی بیشتری با دوستانشان دارند و ۲۲ درصد به هر دو زبان فارسی و گیلکی با دوستان و همسالانشان حس همدلی دارند. این در حالی است که فقط ۵ درصد به گویش گیلکی و ۱۸ درصد در مواجهه با دوستان، چه در خیابان و چه در اجتماعات خانوادگی به هر دو زبان فارسی و گیلکی صحبت می‌کنند. نمودار ۱-۳ کاربرد زبان را در حوزه دوستی به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت نشان می‌دهد.

جدول ۱-۵: کاربرد زبان در حوزه دوستی به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت

پایه	مخاطب و مکان	پسرانه			دخترانه			مجموع	
		فارسی	گیلکی	همه	فارسی	گیلکی	همه	فارسی	گیلکی
دو	همدلی با دوستان	۱۷	۳۶	۲۰	۴	۵۶	۱۳	۹۲	۲۱
	با دوستان نزدیک در مدرسه	۵	۴۴	۲۴	۲	۶۳	۸	۱۰۷	۷
	با دوستان نزدیک در خیابان	۱۰	۴۴	۱۹	۰	۶۷	۶	۱۱۱	۱۰
	با دوستان نزدیک در جشن‌ها	۷	۵۵	۱۱	۰	۶۸	۵	۱۲۳	۷
	مجموع	۳۹	۱۷۹	۷۴	۶	۲۵۴	۳۲	۴۳۳	۴۵
سه	همدلی با دوستان	۱۱	۴۳	۱۹	۵	۵۴	۱۴	۹۷	۱۶
	با دوستان نزدیک در مدرسه	۱	۵۰	۲۲	۳	۶۱	۹	۱۱۱	۴
	با دوستان نزدیک در خیابان	۷	۴۸	۱۸	۰	۶۸	۵	۱۱۶	۷
	با دوستان نزدیک در جشن‌ها	۵	۵۶	۱۲	۰	۶۸	۵	۱۲۴	۵
	مجموع	۲۴	۱۹۷	۷۱	۸	۲۵۱	۳۳	۴۴۸	۳۲
چهارم	همدلی با دوستان	۱۴	۳۴	۱۵	۷	۴۶	۱۰	۸۰	۲۱
	با دوستان نزدیک در مدرسه	۳	۳۹	۲۱	۳	۵۱	۹	۹۰	۶
	با دوستان نزدیک در خیابان	۶	۴۰	۱۷	۰	۵۹	۴	۹۹	۶
	با دوستان نزدیک در جشن‌ها	۵	۵۱	۷	۰	۶۰	۳	۱۱۱	۵
	مجموع	۲۸	۱۶۴	۶۰	۱۰	۲۱۶	۲۶	۳۸۰	۳۸
پنجم	همدلی با دوستان	۴۲	۱۱۳	۵۴	۱۶	۱۵۶	۳۷	۲۶۹	۵۸
	با دوستان نزدیک در مدرسه	۹	۱۳۳	۶۷	۸	۱۷۵	۲۶	۳۰۸	۱۷
	با دوستان نزدیک در خیابان	۲۳	۱۳۲	۵۴	۰	۱۹۴	۱۵	۳۲۶	۲۳
	با دوستان نزدیک در جشن‌ها	۱۷	۱۶۲	۳۰	۰	۱۹۶	۱۳	۳۵۸	۱۷
	مجموع	۹۱	۵۴۰	۲۰۵	۲۴	۷۲۱	۹۱	۱۲۶۱	۱۱۵



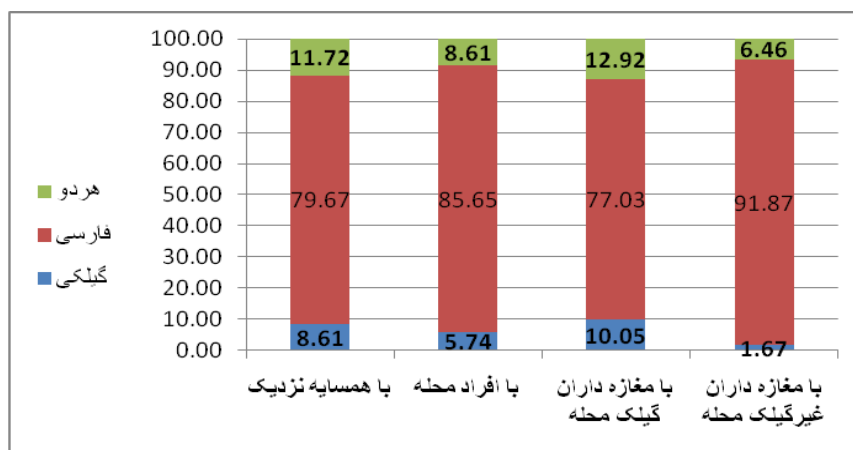
نمودار ۱-۳: کاربرد زبان در حوزه دوستی

جدول ۱-۶ کاربرد زبان در حوزه همسایگی به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت

پایه	مخاطب و مکان	پسرانه			دخترانه			مجموع		
		۱	۲	۳	۱	۲	۳	۱	۲	۳
سال اول	با همسایه نزدیک	۶	۵۸	۹	۲	۶۴	۷	۸	۱۲۲	۱۶
	با افراد محله	۷	۵۹	۷	۰	۷۲	۱	۷	۱۳۱	۸
	با مغازه‌داران گیلک محله	۱۱	۴۶	۱۶	۱	۷۰	۲	۱۲	۱۱۶	۱۸
	با مغازه‌داران غیر گیلک	۳	۶۱	۹	۰	۷۲	۱	۳	۱۳۳	۱۰
	مجموع	۲۷	۲۲۴	۴۱	۳	۲۷۸	۱۱	۳۰	۵۰۲	۵۲
سال دوم	با همسایه نزدیک	۸	۵۵	۱۰	۴	۶۰	۹	۱۲	۱۱۵	۱۹
	با افراد محله	۵	۵۷	۱۱	۲	۶۷	۴	۷	۱۲۴	۱۵
	با مغازه‌داران گیلک محله	۱۳	۴۵	۱۵	۳	۶۵	۵	۱۶	۱۱۰	۲۰
	با مغازه‌داران غیر گیلک	۲	۶۴	۷	۰	۷۳	۰	۲	۱۳۷	۷
	مجموع	۲۸	۲۲۱	۴۳	۹	۲۶۵	۱۸	۳۷	۴۸۶	۶۱
سال سوم	با همسایه نزدیک	۷	۴۶	۱۰	۹	۵۰	۴	۱۶	۹۶	۱۴
	با افراد محله	۸	۴۸	۷	۲	۵۵	۶	۱۰	۱۰۳	۱۳
	با مغازه‌داران گیلک محله	۱۲	۴۱	۱۰	۲	۵۵	۶	۱۴	۹۶	۱۶
	با مغازه‌داران غیر گیلک	۲	۵۲	۹	۰	۶۲	۱	۲	۱۱۴	۱۰
	مجموع	۲۹	۱۸۷	۳۶	۱۳	۲۲۲	۱۷	۴۲	۴۰۹	۵۳
مجموع	با همسایه نزدیک	۲۱	۱۵۹	۲۹	۱۵	۱۷۴	۲۰	۳۶	۳۳۳	۴۹
	با افراد محله	۲۰	۱۶۴	۲۵	۴	۱۹۴	۱۱	۲۴	۳۵۸	۳۶
	با مغازه‌داران گیلک محله	۳۶	۱۳۲	۴۱	۶	۱۹۰	۱۳	۴۲	۳۲۲	۵۴
	با مغازه‌داران غیر گیلک	۷	۱۷۷	۲۵	۰	۲۰۷	۲	۷	۳۸۴	۲۷
	مجموع	۸۴	۶۳۲	۱۲۰	۲۵	۷۶۵	۴۶	۱۰۹	۱۳۹۷	۱۶۶

۹-۱-۴- کاربرد زبان در حوزه همسایگی

نتایج نظرخواهی از پرسش‌شونده‌ها در مورد استفاده از زبان در حوزه همسایگی، به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت، در جدول ۱-۶ آمده است و نتایج کلی آن به صورت نمودار ستونی ۱-۴ دیده می‌شود. با توجه به اینکه داشتن پیش‌زمینه ذهنی از زبانی که مخاطب با آن تکلم می‌کند نقش مهمی در انتخاب گویشوران دوزبانه در انتخاب گوته زبانی آنان دارد، معمولاً گویشوران در حوزه همسایگی با آگاهی از زبانی که مخاطبان آنها بدان صحبت می‌کنند، درصد استفاده از گویش گیلکی با همسایگان نزدیک (۹۹ درصد)، مغازه‌داران گیلک‌زبان (۱۰ درصد) و افراد ناآشنا در محله (۶ درصد) می‌رسد. کمتر از ۲ درصد افراد با مخاطبان خود (مغازه‌داران غیرگیلک در همسایگی) به زبانی صحبت می‌کنند که مخاطبان، آن زبان را متوجه نمی‌شوند. در حوزه همسایگی نیز مانند دیگر حوزه‌ها نسبت کسانی که با مخاطبان خود به هر دو زبان صحبت می‌کنند بیشتر از کسانی است که فقط از گیلکی استفاده می‌کنند. در مجموع اگرچه در حوزه همسایگی بیشترین مقدار به کارگیری گویش گیلکی وجود دارد، این مقدار در مقابل کاربرد زبان فارسی (یعنی کاربرد ۹۰ درصدی زبان فارسی) در این حوزه بسیار ناچیز است.



نمودار ۱-۴: کاربرد زبان در حوزه همسایگی

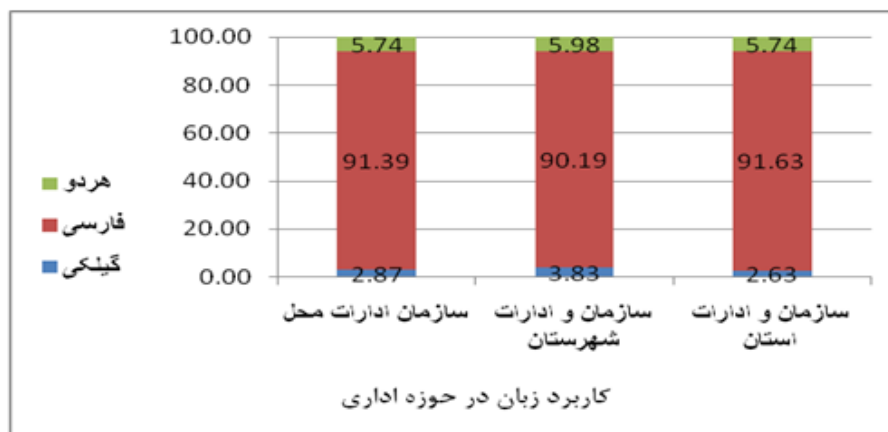
۹-۱-۵- کاربرد زبان در حوزه اداری

نتایج نظرخواهی از پرسش‌شونده‌ها در مورد استفاده از زبان در حوزه اداری به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت در جدول ۱-۷ آمده است و نتایج کلی آن به صورت نمودار ستونی ۱-۵ دیده می‌شود. با توجه به نمودار و جدول این حوزه، کاربرد زبان در حوزه ادارات که یک حوزه رسمی است، چه به طور مجزا و چه همراه با زبان فارسی، کمتر از دیگر حوزه‌هاست. مقدار به کارگیری زبان رسمی یا فارسی در هر سه موقعیت ادارات محل، شهرستان و استان بیش از ۹۱ درصد است. بنابراین هرچه از حوزه‌های غیررسمی دورتر می‌شویم و به مکان‌های عمومی‌تر و رسمی‌تر می‌رویم، استفاده از گویش گیلکی کاهش می‌یابد (حداقل ۳ درصد و حداکثر

۴ درصد) و برعکس استفاده از زبان فارسی و رسمی افزایش می‌یابد. لازم به ذکر است تفاوت زیادی بین استفاده از گویش گیلکی در پاسخ‌دهندگان میان ادارات محل و ادارات استان دیده نمی‌شود.

جدول ۱-۷: کاربرد زبان در حوزه‌های اداری به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت

مجموع			دخترانه			پسرانه			مخاطب و مکان	
شماره پرسشنامه	تعداد پاسخ	پایه تحصیلی	شماره پرسشنامه	تعداد پاسخ	پایه تحصیلی	شماره پرسشنامه	تعداد پاسخ	پایه تحصیلی		
۸	۱۳۵	۳	۳	۶۹	۱	۵	۶۶	۲	سازمان‌ها ادارات محل	شهرستان
۸	۱۳۲	۶	۵	۶۵	۳	۳	۶۷	۳	سازمان‌ها و ادارات شهرستان	
۷	۱۳۵	۴	۴	۶۸	۱	۳	۶۷	۳	سازمان‌ها و ادارات استان	
۲۳	۴۰۲	۱۳	۱۲	۲۰۲	۵	۱۱	۲۰۰	۸	مجموع	
۶	۱۳۶	۴	۲	۷۰	۱	۴	۶۶	۳	سازمان‌ها و ادارات محل	استان
۸	۱۳۳	۵	۳	۶۷	۳	۵	۶۶	۲	سازمان‌ها و ادارات شهرستان	
۸	۱۳۴	۴	۴	۶۸	۱	۴	۶۶	۳	سازمان‌ها و ادارات استان	
۲۲	۴۰۳	۱۳	۹	۲۰۵	۵	۱۳	۱۹۸	۸	مجموع	
۱۰	۱۱۱	۵	۳	۵۸	۲	۷	۵۳	۳	سازمان‌ها ادارات محل	استان
۹	۱۱۲	۵	۵	۵۵	۳	۴	۵۷	۲	سازمان‌ها و ادارات شهرستان	
۹	۱۱۴	۳	۵	۵۶	۲	۴	۵۸	۱	سازمان‌ها و ادارات استان	
۲۸	۳۳۷	۱۳	۱۳	۱۶۹	۷	۱۵	۱۶۸	۶	مجموع	
۲۴	۳۸۲	۱۲	۸	۱۹۷	۴	۱۶	۱۸۵	۸	سازمان‌ها ادارات محل	استان
۲۵	۳۷۷	۱۶	۱۳	۱۸۷	۹	۱۲	۱۹۰	۷	سازمان‌ها و ادارات شهرستان	
۲۴	۳۸۳	۱۱	۱۳	۱۹۲	۴	۱۱	۱۹۱	۷	سازمان‌ها و ادارات استان	
۷۳	۱۱۴۲	۳۹	۳۴	۵۷۶	۱۷	۳۹	۵۶۶	۲۲	مجموع	



نمودار ۱-۵: کاربرد زبان در حوزه اداری

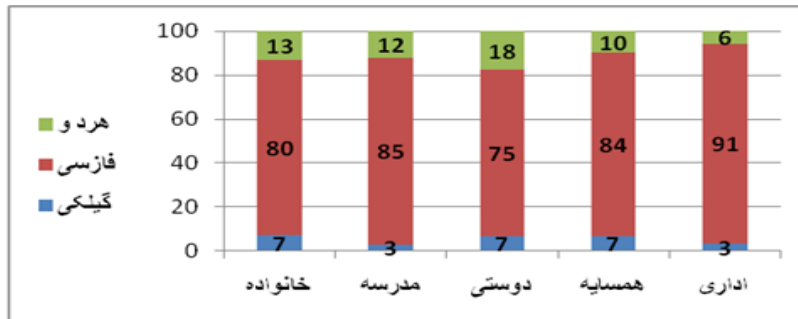
۱۰. کاربرد زبان در کلیه حوزه‌ها

کاربرد زبان فارسی و گیلکی و تلفیق آنها در تمامی حوزه‌ها در جدول ۱-۸ نشان داده شده است و در نمودار ۱-۶ زبان‌های مورد استفاده در مجموع حوزه‌های مورد بررسی، به صورت نمودار دایره‌ای رسم شده است. مجموع کسانی که در کلیه حوزه‌ها، فقط از گویش گیلکی در محاورات استفاده کرده‌اند به طور متوسط ۵ درصد و ۱۲ درصد از افراد پاسخ‌دهنده از هر دو زبان فارسی و گیلکی استفاده کرده‌اند که در مقابل حجم زیاد این میزان (۸۳ درصد) که فقط از زبان فارسی استفاده می‌کنند، بسیار ناچیز است. این امر نشان‌دهنده آنست که گویش گیلکی با توجه به کاربرد اندک آن در بین نسل نوجوان (دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه) جزو زبان‌های در معرض خطر محسوب می‌شود. چنان‌که در نمودار ۱-۸ آمده، زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی کشور در کلیه فعالیت‌های محاوره‌ای در حوزه‌های خانواده، مدرسه، دوستی، همسایگی و اداری بر گویش گیلکی غلبه دارد.

جدول ۱-۶: کاربرد زبان‌ها در هریک از حوزه‌ها

نوع حوزه	گیلکی	فارسی	هر دو
خانواده	۷٪	۸۰٪	۱۳٪
مدرسه	۳٪	۸۵٪	۱۲٪
دوستی	۷٪	۷۵٪	۱۸٪
همسایه	۷٪	۸۴٪	۱۰٪
اداری	۳٪	۹۱٪	۶٪
میانگین	۵٪	۸۳٪	۱۲٪

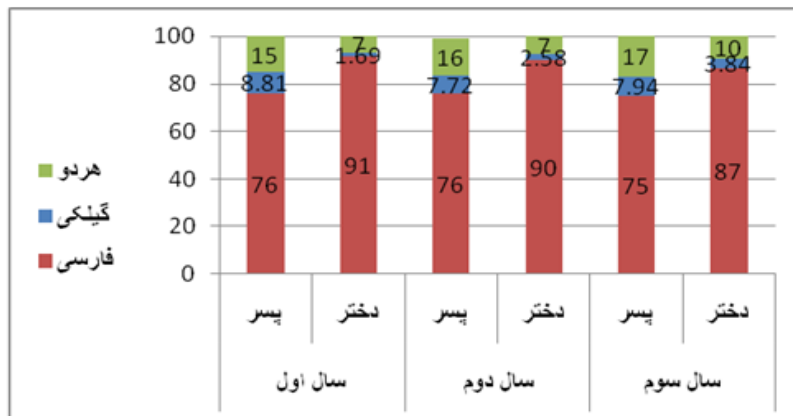
اگر کاربرد زبان را در پنج حوزه خانواده، مدرسه، دوستی، همسایگی و اداری نشان دهیم، در مجموع استفاده از زبان در کلیه حوزه‌های مورد اشاره در نمودار ستونی ۱-۶ نمایش داده شده است. در شکل استفاده از گویش گیلکی باید گفت که میزان استفاده از آن، در حوزه‌های غیررسمی خانواده، دوستی و همسایگی ۷ درصد، و میزان استفاده از تلفیق دو زبان فارسی و گیلکی بین ۱۸ تا ۱۰ درصد است. بیشترین میزان استفاده از دوزبانگی مربوط به حوزه دوستی است (۱۸ درصد). در حوزه رسمی مدرسه و اداری میزان استفاده از گویش گیلکی بسیار ناچیز (۳ درصد) و میزان کاربرد زبان فارسی خیلی زیاد است و به ۸۵ تا ۹۱ درصد می‌رسد.



نمودار ۱-۶: کاربرد زبان در هریک از حوزه‌ها

۱.۱. کلیه حوزه‌ها

در نمودار ۱-۷ از زبان‌ها به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت ترسیم شده است. کاربرد گویش گیلکی در پایه‌های اول و دوم و سوم متوسطه دختران، به ترتیب ۱، ۳ و ۴ درصد است و این میزان در پایه‌های اول و دوم و سوم متوسطه پسران، به ترتیب ۹، ۸ و ۸ درصد می‌باشد. به طور کلی تمایل استفاده از زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و معتبر جامعه در میان دختران بیشتر است (بین ۹۱ تا ۸۷ درصد)، در حالی که این میزان، در میان پسران به ۷۶ و ۷۵ درصد کاهش می‌یابد. مقایسه کاربرد گویش گیلکی در مجموع حوزه‌ها بین پایه‌های تحصیلی اول تا سوم تقریباً مشابه است، حال آنکه استفاده از آن در بین جنس پسر و دختر تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد.



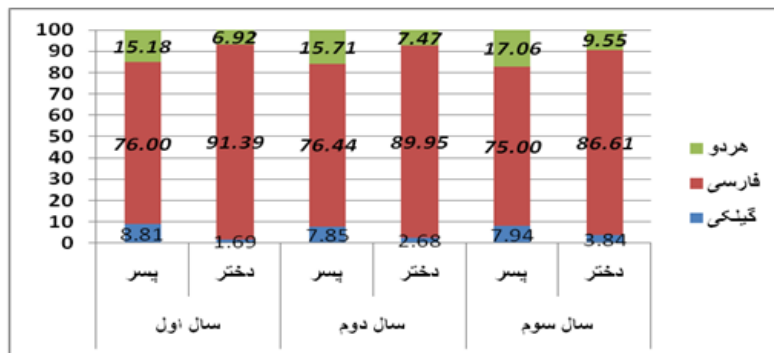
نمودار ۱-۷: کاربرد زبان در کلیه حوزه‌ها به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت

اگر بخواهیم تفاوت پایه‌های تحصیلی و جنسیت پاسخ دهندگان مجموع حوزه‌ها را علاوه بر زبان گیلکی در زبان فارسی بررسی کنیم و آزمون معنی داری را روی آن انجام دهیم جدول ۱-۹ به دست می‌آید.

۱۲. مقایسه کاربرد زبان در حوزه‌های مختلف در بین پایه‌های تحصیلی به تفکیک جنسیت

بنابر تأثیرگذاری عوامل متعددی چون سن، جنسیت، تحصیلات و نگرش‌های زبانی در انتخاب زبان، در این مطالعه دانش‌آموزان پایه تحصیلی اول، دوم و سوم دبیرستان پسرانه و دخترانه انتخاب شدند. بنابراین عامل مؤثر دیگری که باید مورد مطالعه قرار گیرد، جنسیت پرسش‌شونده‌هاست. استفاده از زبان بین زنان و مردان، از مسائل مورد توجه در تحلیل زبان است. زنان و مردان در روند اجتماعی شدن، از نقش‌های اجتماعی خویش و انتظارات جامعه از خویش آگاه می‌شوند. جامعه با نشر هنجارهای مسلط از طریق آموزش رسمی، تعاملات اجتماعی، بازی‌ها و ملاحظات اخلاقی و گاه تحمیل آنها به افراد جامعه، تفکر و فرهنگ اجتماعی را برای آنها طرح می‌کند که نتایج گوناگون آن در گفتار زن و مرد پیدا می‌شود (نرسیسیانس، ۱۳۸۳: ۱۱). در این بررسی، این عامل در تک‌تک حوزه‌ها براساس مقطع تحصیلی مورد مطالعه قرار گرفت و از طریق اجرای آزمون آماری، معنی‌دار بودن یا نبودن اختلافات در بین پایه‌های تحصیلی و جنسیت، در کاربرد گویش گیلکی، در هر حوزه مورد تحلیل قرار گرفت و از روش مجذور کای (X^2) به عنوان آزمون آماری، از مجموعه آزمون‌های نرم‌افزار SPSS مورد استفاده قرار گرفت.

در نمودار ۱-۸ میزان کاربرد هریک از زبان‌ها به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت ترسیم شده‌است. استفاده از گویش گیلکی در پایه‌های اول و دوم و سوم متوسطه دختران، به ترتیب ۲، ۳ و ۴ درصد است. این میزان در پایه‌های اول و دوم و سوم متوسطه پسران، به ترتیب ۹، ۸ و ۸ درصد می‌باشد. به طور کلی تمایل استفاده از زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و معتبر جامعه، در میان دختران بیشتر از پسران است (بین ۹۱ تا ۸۷ درصد). در حالی که این میزان در میان پسران به ۷۶ و ۷۵ درصد می‌رسد. مقایسه کاربرد گویش گیلکی در مجموع حوزه‌ها، بین پایه‌های تحصیلی اول تا سوم تقریباً مشابه است؛ حال آن‌که در کاربرد گویش گیلکی بین جنس پسر و دختر تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد.



نمودار ۱-۸: کاربرد زبان در کلیه حوزه‌ها به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت

اگر بخواهیم تفاوت پایه‌های تحصیلی و جنسیت پاسخ‌دهندگان مجموع حوزه‌ها را علاوه بر گویش گیلکی در زبان فارسی بررسی کنیم و آزمون معنی‌داری را روی آن انجام دهیم جدول ۱-۹ به دست می‌آید.

جدول ۱-۹: نتایج آماری، تفاوت در بین پایه‌های تحصیلی و جنسیت در حوزه‌ها

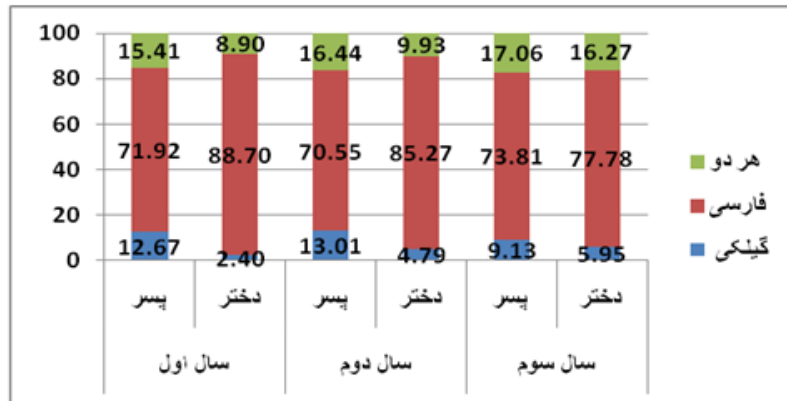
حوزه	تفاوت در پایه‌های تحصیلی	تفاوت در جنسیت	شرح
خانواده	۰.۲۴۱	بی‌معنی	مقدار معنی‌داری
دوستی	۰.۲۴۱	بی‌معنی	شرح
مدرسه	۰.۱۱۲	بی‌معنی	مقدار معنی‌داری
همسایگی	۰.۲۱۲	بی‌معنی	شرح
اداری	۰.۲۶۱	بی‌معنی	مقدار معنی‌داری

تفاوت بین پایه‌های تحصیلی و جنسیت پرسش‌شونده‌ها، در کاربرد گویش گیلکی هریک از حوزه‌ها به تفکیک در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱۳. مقایسه پایه‌های تحصیلی و جنسیت در هریک از حوزه‌ها

۱۳-۱- حوزه خانواده

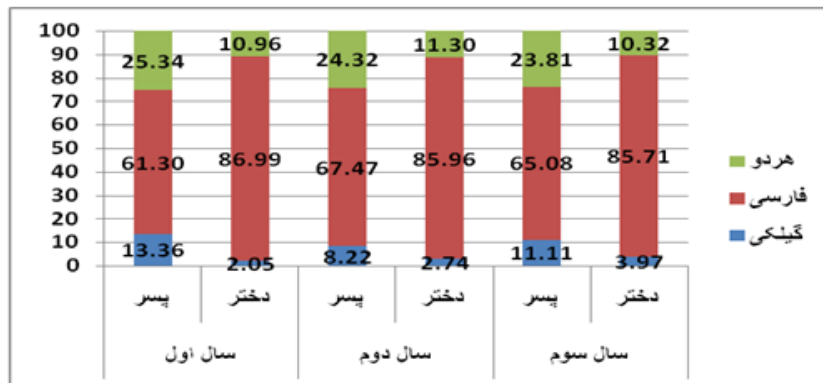
در نمودار ۹-۱ کاربرد هر یک از زبان‌ها در حوزه خانواده به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت‌ها ترسیم شده‌است. بین کاربرد گیلکی در حوزه خانواده، از نظر پایه‌های تحصیلی فرق چندانی وجود ندارد. نتایج آزمون آماری هم تأییدکننده این موضوع است. جدول ۹-۱ نشان می‌دهد که مقدار معنی‌داری در حوزه خانواده بین پایه‌های تحصیلی از ۰.۰۵ بزرگ‌تر هستند، در نتیجه بین پایه‌های تحصیلی، اختلاف معنی‌دار آماری وجود ندارد و سطح استفاده از گویش گیلکی در هر سه پایه تحصیلی یکسان است، اما در کاربرد گویش گیلکی بین پسران و دختران و در پایه‌های تحصیلی در حوزه خانواده تفاوت وجود دارد. این موضوع از روی معنی‌داری جدول ۹-۱ قابل مشاهده است که از مقدار ۰.۰۵ کوچک‌تر است و نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار کاربرد گویش گیلکی بین دختران و پسران در حوزه خانواده است.



نمودار ۱-۹: کاربرد زبان در حوزه خانواده به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت

۱۳-۲- حوزه دوستی

در نمودار ۱-۱۰ کاربرد زبان در حوزه دوستی به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت آمده است. در کاربرد گویش گیلکی در حوزه غیررسمی دوستی، تفاوت چندانی بین پایه‌های تحصیلی وجود ندارد. نتایج آزمون آماری (جدول ۱-۹) هم در این زمینه تأییدکننده این مطلب است که بین پایه‌های تحصیلی اختلاف معنی‌دار آماری وجود ندارد. بنابراین کاربرد زبان بین دانش‌آموزان سه پایه تحصیلی مشابه است. همچنین کاربرد گویش گیلکی بین دختران و پسران تقریباً مشابه است و اختلاف معنی‌دار آماری ندارد.

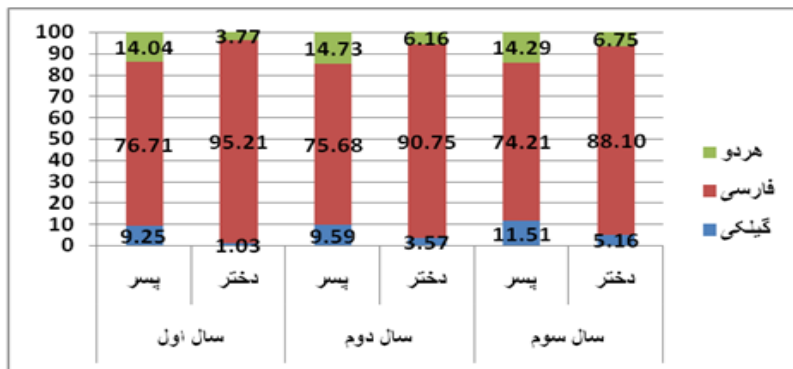


نمودار ۱-۱۰: کاربرد زبان در حوزه دوستی به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت

۱۳-۳- حوزه همسایگی

در نمودار ۱-۱۱ کاربرد زبان در هر یک از زبان‌ها، در حوزه همسایگی به تفکیک پایه‌های تحصیلی و جنسیت نشان داده شده است. بین کاربرد گویش گیلکی از نظر پایه تحصیلی و جنسیت در حوزه غیررسمی

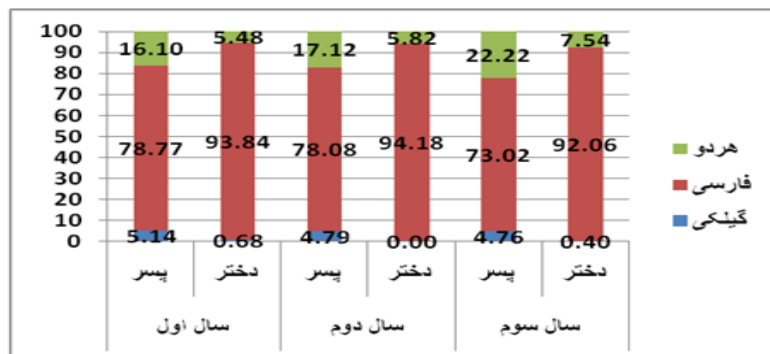
همسایگی، فرق چندانی وجود ندارد. آزمون آماری هم مؤید این موضوع است (نک. جدول ۱-۹) که بین پایه‌های تحصیلی، اختلاف معنی‌دار آماری وجود ندارد؛ چرا که این مقدار بین پایه‌های تحصیلی در حوزه همسایگی از مقدار 0.05 بزرگ‌تر است. بین کاربرد گیلکی میان دختران و پسران در حوزه همسایگی تفاوت زیادی وجود ندارد و اختلاف معنی‌دار آماری دیده نمی‌شود.



نمودار ۱-۱۱: کاربرد زبان در حوزه همسایگی به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت

۱۳-۴- حوزه مدرسه

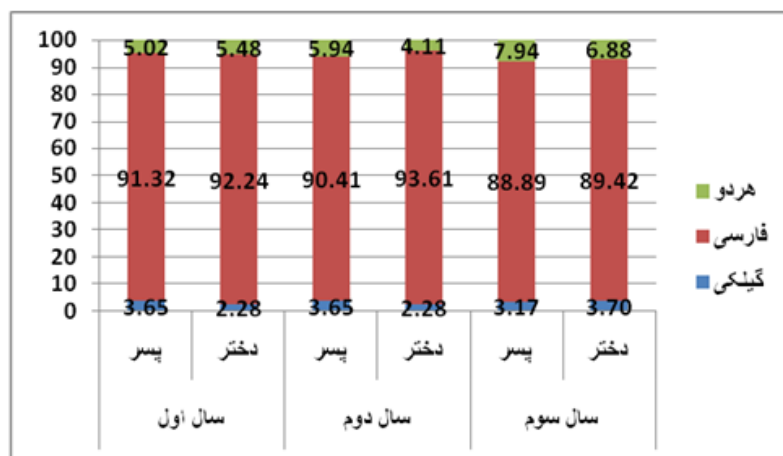
در نمودار ۱-۱۲ کاربرد هر یک از زبان‌ها در حوزه مدرسه به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت ترسیم شده است. کاربرد گویش گیلکی در حوزه مدرسه براساس پایه‌های تحصیلی تفاوت چندانی باهم ندارد. نتایج آزمون آماری هم مؤید این موضوع است (جدول ۱-۹) که بین پایه‌های تحصیلی اختلاف معنی‌دار آماری وجود ندارد؛ همچنین بین پایه‌های تحصیلی مختلف، کاربرد گیلکی در حوزه آموزشی مدرسه (مدرسه) میان دختران و پسران، تقریباً مشابه است و با توجه به این که مقدار معنی‌داری بیشتر از 0.05 است اختلاف معنادار آماری وجود ندارد.



نمودار ۱-۱۲: کاربرد زبان در حوزه مدرسه به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت

۱۳-۵- حوزه اداری

در نمودار ۱-۱۳ کاربرد هریک از زبان‌ها در حوزه ادارات به تفکیک پایه‌های تحصیلی و جنسیت ترسیم شده است. کاربرد گویش گیلکی در حوزه ادارات بین پایه‌های تحصیلی مشابه است؛ نتایج آزمون آماری (در جدول ۱-۹) هم تأییدکننده این موضوع است که بین پایه‌های تحصیلی، این مقدار از ۰.۰۵ بزرگ‌تر است. بنابراین بین پایه‌های تحصیلی اختلاف معنی‌دار آماری دیده نمی‌شود. کاربرد گویش گیلکی در حوزه ادارات میان دختران و پسران نیز تقریباً مشابه است و اختلاف معنی‌دار آماری ندارد.



نمودار ۱-۱۳ کاربرد زبان در حوزه اداری به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت

۱۴. کلیه حوزه‌ها

در جدول ۱-۱۰ کاربرد هریک از زبان‌ها در کلیه حوزه‌ها براساس آزمون آماری نشان داده شد که بیان‌کننده این امر است که در به‌کارگیری گویش گیلکی بین پایه‌های تحصیلی اختلاف آماری معنی‌داری وجود ندارد و از تمایل افراد به استفاده از زبان فارسی حکایت دارد. در مجموع حوزه‌ها و پایه‌های تحصیلی، در کاربرد گویش گیلکی، میان دختران و پسران تفاوت وجود دارد و اختلاف آماری معنی‌داری بین آن‌ها دیده می‌شود. اگر بخواهیم علاوه بر گویش گیلکی تفاوت کاربرد زبان فارسی را در هریک از حوزه‌ها بررسی کنیم و آزمون معنی‌داری را روی آن انجام دهیم، باید گفت در کاربرد زبان فارسی، اختلاف بین پایه‌های تحصیلی معنی‌دار است، اما در کاربرد هر دو زبان اختلاف آماری معنی‌دار وجود ندارد. در مجموع حوزه‌ها و در بین پایه‌های تحصیلی، کاربرد زبان فارسی و هر دو زبان بین دختران و پسران تفاوت زیادی وجود دارد و با توجه به این‌که این مقدار از ۰.۰۵ کوچک‌تر است اختلاف معنی‌دار آماری دیده می‌شود.

جدول ۱-۱: نتایج آزمون آماری، تفاوت بین پایه‌های تحصیلی و جنسیت در هریک از زبان‌ها

حوزه	تفاوت در پایه تحصیلی	تفاوت در جنسیت	شرح
گیلکی	مقدار معنی‌داری ۰.۷۷۹	مقدار معنی‌داری ۰.۰۱	شرح
فارسی	۰.۲۲	۰.۰۰۲	معنی‌دار
هر دو	۰.۸۱۹	۰.۰۰۲	معنی‌دار

استفاده از گویش گیلکی در هریک از حوزه‌ها براساس پایه‌های تحصیلی و جنسیتی پرسش‌شوندگان، با استفاده از آزمون آماری به نتایج زیر ختم شد:

- ۱- میانگین کاربرد گویش گیلکی پرسش‌شونده‌ها در هریک از حوزه‌ها، از نظر پایه‌های تحصیلی تفاوت معنی‌داری ندارد.
- ۲- میانگین کاربرد گویش گیلکی پرسش‌شونده‌ها در هریک از حوزه‌ها، از نظر جنسیت معنی‌دار است.

نتیجه‌گیری

این مقاله کوششی است در ارزیابی حیات و پویایی گویش گیلکی. از آنجاکه تغییر زبان، نتیجه حرکات جمعی و طولانی‌مدت افراد یک جامعه زبانی در انتخاب و کاربرد زبان است، چنین کاربردی در درجه نخست متأثر از نگرش‌های گویشوران آن زبان می‌باشد. از این‌رو هر اقدامی که بتواند موجب نگرش مثبت افراد یک جامعه زبانی شود، ارزشمند است. این کار از دو طریق میسر خواهد بود: ۱- رواج کاربرد زبان در حوزه‌هایی که باید به کار گرفته شود؛ ۲- آگاهی دادن به گویشوران از طریق اطلاعات درست و نشان دادن جایگاه واقعی زبان و زدودن باورهای منفی و نادرست از آن. از این‌رو، آگاهی از چگونگی به‌کارگیری گویش گیلکی از سوی گویشوران، در حوزه‌های غیررسمی و رسمی چون خانواده، دوستی، همسایگی، مدرسه و اداری و نتایج چنین تحقیقاتی می‌تواند بر عملکرد مسؤولان مملکتی، متولیان امر آموزش و پرورش و آموزش عالی، دست‌اندرکاران امور فرهنگی، مطبوعات، صدا و سیما، محققان و نویسندگان به‌ویژه زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان و حتی والدین تأثیرگذار باشد.

در این مقاله استفاده از دوزبانگی در حوزه‌ها به همراه زیرگروه‌های هر حوزه، به‌ترتیب مورد بحث قرار گرفت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از گویش گیلکی در حوزه دوستی بیشتر از سایر حوزه‌هاست. بیش از ۱۴ درصد پرسش‌شوندگان با همسالان خود به گیلکی سخن می‌گویند. به طور کلی درصد کسانی که در کلیه حوزه‌ها، از هر دو زبان فارسی و گیلکی استفاده می‌کنند در مقایسه با کسانی که فقط به زبان فارسی سخن می‌گویند، بسیار ناچیز است. استفاده محدود گویشوران از زبان مادری در ارتباطات غیررسمی، حتی در تعامل با بزرگسالان یعنی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و والدین، همچنین توجه به تغییرات درون‌گروهی و کاربرد زبان فارسی در حوزه‌های رسمی‌تر که جامعه را به سوی دوزبانگی سوق می‌دهد، سبب می‌شود تا نتوان چندان به

بقای این گویش امیدوار بود. بنابراین در پاسخ به سؤال تحقیق که «آیا گویش گیلکی در آینده دور حفظ خواهد شد؟» می‌توان اذعان داشت که گویش گیلکی با حرکت به سمت دوزبانگی، جزو گویش‌های در معرض خطر محسوب می‌شود.

با در نظر گرفتن رابطه بین زبان و گویشوران، مشاهده شد که افراد مورد آزمون نسبتاً از گویش گیلکی به عنوان زبان ارتباطی میان همه گروه‌ها استفاده می‌کنند، اما نکته حائز اهمیت آن که میان به‌کارگیری گویش گیلکی از سوی پرسش‌شوندگان در سه پایه تحصیلی (اول، دوم و سوم دبیرستان) تفاوتی وجود ندارد و نتایج آزمون آماری تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد. البته در حوزه‌های مورد بحث میان جنس دختر و پسر در هر مورد اختلاف فاحشی وجود دارد و نتایج آماری تفاوت معنی‌داری را بین دو جنس تأیید می‌کند.

منابع

- اصلاح عربانی، ابراهیم (۱۳۸۰)، کتاب گیلان، تهران: انتشارات گروه پژوهشگران، ج ۱.
- بشیر نژاد، حسن (۱۳۸۲)، «زبان‌های محلی ایران و خطر انقراض»، مجله فرهنگ مردم ایران، شماره ۵ و ۶، ۶۵-۸۴.
- پورهادی، مسعود (۱۳۸۵)، زبان گیلکی، رشت: ایلپا.
- ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶)، زبان‌شناسی اجتماعی (درآمدی بر زبان و جامعه)، ترجمه محمد طباطبایی، تهران: آگاه.
- پلاگ، فرد و دانیل بیترس (۱۳۸۶)، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی و فرهنگی.
- او.ا.جرمیاس (۱۳۶۶)، «دوزبانگی در زبان فارسی»، ترجمه محمد طباطبایی، مجله زبان‌شناسی، سال ۴، شماره‌های ۲ و ۱: ۱۰۲-۱۲۶.
- حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۸۲)، زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته (مجموعه مقالات)، تهران: آگاه.
- خودزکو، الکساندر (۱۳۵۴)، سرزمین گیلان، ترجمه سیروس سهامی، تهران: پیام.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و رضا چراغی (۱۳۸۷)، «واژه‌شناسی اجتماعی گویش گیلکی (مطالعه موردی: اصطلاحات خویشاوندی و جنسیت)»، مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۴۱، شماره ۲ (پیاپی ۱۶۱): ۹۵-۱۱۰.
- ژان کالوه، لوئی (۱۳۷۹)، درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- ستوده، منوچهر (۱۳۳۲)، فرهنگ گیلکی، تهران: انجمن ایران‌شناسی.
- گرانیپایه، بهروز (۱۳۷۷)، فرهنگ و جامعه، تهران: نشر شریف.
- گی، روشه (۱۳۷۰)، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- لی.وی (۱۳۸۹/۹/۲۹)، «دوزبانگی و عوامل مؤثر در ایجاد آن»، ترجمه قاسم گلشن‌آرانی، به نقل از کتاب Dimensions of Bilingualism. مرجع اطلاع‌رسانی زبان‌شناسی: www.linguistica.com
- میرزاپور ربک، فاطمه (۱۳۹۰)، بررسی پدیده دو یا چندزبانگی در جغرافیای قومی تالش، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، رشت: دانشگاه گیلان.
- نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۸۲)، مباحثی در دو زبانگی، تهران: معاونت پژوهشی پژوهشکده مردم‌شناسی.
- نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۸۳)، مردم‌شناسی جنسیت، تهران: نشر افکار.

- نیکویه، محمود (۱۳۸۷)، رشت شهر باران، رشت: ایلپا.

- نیلی‌پور، رضا (۱۳۶۸)، «دوزبانگی و سازمان‌بندی آن در قشر مخ»، مجله زبانشناسی، سال ۶ شماره پیاپی ۱۱: ۸۸-۹۷.

- Baker, colin (2001)Fundations Of bilingual education and bilingualism, Third Edition, Philadephia: multilingual Matters Ltd.
- Benjamas, Khamsakual(1998) The attitude of SO (Thavung) ethnic group toward their own Languag and its use: case study of Nong Waeng village, pathumwapi subdistrict, song Dao district,Sakon Nakhorn province,M.A. Thesis.Mahidol University Thailand.
- Fasold, Ralph(1984)The Sociolinguistics Of Society. Oxford: Basil BlackWell.
- Fidhman,jadhua.A(1969) Alternative measures of bilingualism. Journal Of Verbal Learning and Verbal Behavior, No:8,276-282.
- Parasher,SN(1980)"Mother-togue English diglossia: A case study of education Indian bilinguals Languag use", Anthropological Linguistics 22,4,151-168.